

بررسی و ارزیابی برنامه های شش گانه توسعه در دولت های انقلاب اسلامی با تاکید بر مولفه های سیاسی و اقتصادی

دکتر محمد باقر منصورزاده
دکتر زهرا مسعود

چکیده

هر کشوری بر مبنای شرایط تاریخی، سیاسی و اقتصادی خود، تجربه ای منحصر به فرد را در گذار به توسعه و پیشرفت طی می کند. بیش از نیم قرن از تدوین برنامه های توسعه در کشور ایران می گذرد و با گسترش مدرنیسم در غرب، در انتهای دوره قاجاریه و ابتدای دوره پهلوی، نوسازی و توسعه در ایران نیز، رنگ و بوی جدی به خود گرفت و از آن زمان تحول و مدرن شدن، دغدغه روشنفکران ایرانی گردید. اگرچه ایران به عنوان اولین کشور آسیایی برنامه توسعه خود را در زمان پهلوی اول، تدوین نمود، اما تا کنون هنوز نتوانسته بر سکوی توسعه یافتگی قرار بگیرد و کماکان سرگردانی در بسیاری از مولفه های توسعه یافتگی در شیوه حکمرانی آن رنج آور به نظر می رسد. این پژوهش با تاکید بر اهمیت کارکرد توسعه گرایانه ی دولت های معاصر در ایران، بنا را بر این می نهد که با توجه به ویژگی های جامعه ایرانی، دولت در فرایند توسعه نقش اساسی و بنیادین دارد ولیکن فقدان اجماع مفهومی و رفتاری از سوی حکمرانان و نخبگان سیاسی در دولت های پس از انقلاب و بی توجهی به رویکردی یگانه از مفهوم توسعه، یکی از اساسی ترین عوامل ناکامی حکمرانان و دولتمردان ج.ا.ا در دستیابی کشور به توسعه است؛ البته تاکید بر نقش دولت توسعه گرا و برنامه ریز به عنوان موتور محرک توسعه در شرایط فعلی جامعه ایران در این جستار به معنای نفی اهمیت سایر ابعاد توسعه و متغیرهای مهم آن نیست؛ بلکه به این معناست که فعالیت بهتر از سوی یک دولت توسعه گرا در وضعیت کنونی ایران می تواند با رویکردی عقلانی و اجماع مفهومی، سایر اهداف مهم توسعه را در کشور نهادینه ساخته و به پیش ببرد. بنابراین در این پژوهش ضمن معرفی شش گام برنامه های توسعه و ارزیابی آن، نقش دولت ها را در تحقق بخشی به این اهداف مورد بررسی قرار داده و کامیابی و یا ناکامی آنها در تحقق بخشی به این برنامه ها را ارزیابی می کنیم. در نوشتار پیش رو با در نظر گرفتن دو شاخص توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی، به بررسی برنامه های شش گانه توسعه پرداخته و هم چنین شاخص های دولت های توسعه گرا را در برنامه های توسعه مورد سنجش قرار می دهیم. پرسش پژوهش حاضر این است که نقش دولت های پس از انقلاب اسلامی، در دست یابی به شاخص های توسعه سیاسی و اقتصادی در برنامه های شش گانه توسعه چگونه قابل ارزیابی است؟

کلمات کلیدی: توسعه، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، انقلاب اسلامی، دولت توسعه گرا

۱- دانش آموخته دکترای علوم سیاسی، گرایش اندیشه سیاسی، دانشگاه علوم و تحقیقات:

mb.mansourzade@yahoo.com

۲- دانش آموخته دکترای علوم سیاسی، گرایش جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه علوم و تحقیقات:

zahramasouduni@yahoo.com

بیان مسئله

تحولات توسعه پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، که تعارض بر سر مفهوم و تفسیر درست توسعه، یکی از عوامل اساسی چالش برانگیز در دولت های انقلاب اسلامی بوده است. آنچه در چند دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران در خصوص توسعه جلب توجه نموده، رقابت گفتمان‌های مختلف درباره معنا و مفهوم توسعه است. اساس شکل‌گیری برنامه های شش گانه توسعه پس از انقلاب اسلامی در آغاز دولت سازندگی با اهدافی از جمله بازسازی خرابی های ناشی از جنگ تحمیلی و ترسیم چشم اندازی مناسب برای آینده نظام اسلامی به منظور توسعه یافتگی، طراحی شد. شاید یکی از بنیادی ترین چالش ها برای تحقق بخشی به اهداف این برنامه ها، فقدان اجماع مفهومی نخبگان سیاسی از مفهوم توسعه، از سوی تصمیم سازان و سیاستگذاران کلان کشور بوده باشد. برای توضیح این ادعا بطور خلاصه باید گفت که: طی چند دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پایان جنگ تحمیلی، چند گفتمان مسلط حول مفهوم توسعه در دولت های انقلاب اسلامی شکل گرفت که موجب شد تا دولت های بعدی، التزامی به پیروی از تفسیرها و روش های حل مسئله در دولت جدید احساس نکنند و این ضعیفی اساسی برای نظام حکمرانی یک کشور محسوب می شود؛ به طوری که در ابتدا و پس از اتمام جنگ، توسعه با رویکردی نئولیبرالیستی و با تاکید بر شاخص رشد اقتصادی مفهوم می یافت و نسبت به دیگر الزامات پذیرفته شده از مفهوم توسعه، غفلت ورزیده شد. در دولت اصلاحات، این مقوله ی توسعه سیاسی بود که گوی سبقت را از دیگر مولفه های توسعه یافتگی ربود و بر آن بود که هرگونه معنابخشی به توسعه که سازو کارهای آزادی سیاسی و جامعه مدنی را مورد توجه قرار ندهد، فاقد ارزش و اعتبار است.

توزیع عادلانه منابع مادی، اساسی ترین تفسیر از نوع رویکرد دولت نهم و دهم به برنامه های توسعه و مفهوم توسعه یافتگی بود که تفسیری کاملاً متفاوت از نگاه دولت سازندگی به امر توسعه را مدنظر قرار داد و ضمن آنکه توزیع منابع را متفاوت از رشد اقتصادی تلقی می کرد بر توزیع آمرانه منابع در جامعه تاکید می نمود. دولت های یازدهم و دوازدهم، که می توان از آن به نوعی شبه گفتمان یاد کرد، مبانی اساسی خود را از دولت های سازندگی و اصلاحات، عاریه گرفته و به طور مختصر خصلت اساسی آن، ضرورت نوعی اتفاق نظر پیرامون اقتصاد دانش بنیان جهانی، سیاست تعامل گرایانه و همگرا، دولت توسعه گرا و ... است.

همان گونه که گفته شد در دولت های پس از انقلاب اسلامی، هرگز التزامی نسبت به تفسیر یگانه و مشترک از مفهوم توسعه و الزام به حرکت در آن مشاهده نمی شود و شاید همین موضوع اساس لغزش های نظام حکمرانی در کشور ما باشد. خصلت بنیادین توسعه در ایران، وایسته به اراده دولت بوده و طبیعتاً خطاهای راهبردی در تصمیم گیری دولت ها، حرکت به سوی توسعه را با چالش جدی مواجه نموده است. نگاهی به تجربه توسعه در کشورهای در حال گذر، از جمله ایران، اهمیت نقش دولت را برای چگونگی آغاز و هدایت فرایند توسعه نشان می دهد. این رویکرد به دولت، اساس علت شکل گیری دولت های توسعه گراست. بعد از انقلاب اسلامی تلاش شد تا مفهوم توسعه، مبتنی بر تفسیرهای خاص توسط دولت ها، دنبال شود، بر همین اساس مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که عملکرد دولت های انقلاب اسلامی را، با تاکید بر دو حوزه های سیاسی و اقتصادی، بررسی نموده و به این پرسش بنیادین پاسخ دهیم که عملکرد دولت های پس از انقلاب اسلامی در حوزه عمل به برنامه های شش گانه توسعه در زمینه های گفته شده، چگونه قابل ارزیابی و تحلیل است؟

۱- پیشینه ادبی پژوهش

غیر از کشورهای غربی که شرایط تاریخی و اجتماعی آن‌ها در قرن نوزدهم، سبب فراهم شدن بسترهای مناسب، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ساختاری برای رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی آن‌ها بود، کشورهای جنوب شرق آسیا با زمینه‌های اجتماعی متفاوت از غرب توانستند به موفقیت‌های چشمگیری در این زمینه برسند. اندیشمندان نظریه‌های جدیدتر توسعه مانند پیتر اونز و آدریان لفت ویچ علت این رویداد را در ماهیت خاص فرآیند توسعه صنعتی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می‌دانستند. زیرا این کشورها نمی‌توانستند منتظر فراهم آمدن زمینه‌های ساختاری مناسب باشند و ناگزیر به استفاده از همه امکانات موجودشان، پروژه توسعه صنعتی را شروع کردند. اما سؤال این است که چه نوع دولتی و با چه نوع قابلیت‌هایی می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند؟ چه نوع ساختاری در دولت آن را برای انجام چنین وظایفی مناسب می‌کند. چالمرز جانسون دولت در کشورهای جنوب شرق آسیا و بویژه ژاپن را دارای چنین ساختار مناسبی دانسته و برای اولین بار اصطلاح دولت‌های توسعه‌گرا را درباره آن‌ها به کار برده است. او دولت‌های توسعه‌گرا را در قالب دولت‌های برنامه‌ای- عقلانی، صورت‌بندی می‌کند که سعی دارند توانمندی‌های لازم برای حضور در عرصه رقابت‌های جهانی اقتصاد را کسب کنند و آن‌ها را در مقابل دولت‌های برنامه ریزی قرار می‌دهد که بر خودکفایی اقتصادی تأکید می‌کند. (جانسون ۱۹۸۲).

پیتر اونز با متمایز کردن دو نوع دولت آرمانی تاریخی از یکدیگر، مفهوم دولت یغماگر را در مقابل دولت توسعه‌گرا معرفی می‌کند. از نگاه او، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری دولت یغماگر این است که تلاش‌ها در این نوع دولت برای به حداکثر رساندن منافع فردی است و نه پی‌گیری اهداف جمعی و نیز سازمان یا سازوکاری برای ارتباط بین رأی‌دهندگان و دولت وجود ندارد. این نوع دولت‌ها مخلوق یا نماینده منافع هیچ گروه یا طبقه خاصی نیستند بلکه در دوره‌های اصلی تکوین خود دولت‌های بسیج‌کننده‌اند. نخستین الزام ساختاری یک دولت توسعه‌گرا، وجود یک توافق هژمونیک درباره الگوی توسعه است که معمولاً تحت برنامه‌های میان و بلندمدت توسعه تدوین می‌شود. پس از آن وجود یک ساختار اداری کارآمد، از کوتاه شدن عمر سیاست‌گذاری‌ها بواسطه برنامه محوری و نه فرد محوری، جلوگیری می‌کند دولت توسعه‌گرا موتور محرکه کشتی توسعه نیست بلکه از نیروی بازیگران خارج از خود استفاده می‌کند و خودش سکاندار است. چنین دولتی توانایی دارد تا پروژه‌های مشترکی را با کارآفرینان بخش خصوصی و سرمایه‌های فراملی تعریف و سپس هدایت و اجرا کند. (اونز، ۱۳۸۲).

لفت ویچ به عنوان بارزترین نظریه‌پرداز دولت توسعه‌گرا، ویژگی‌های این نوع دولت را شامل موارد زیر می‌داند:

الف) نخبگان توسعه‌گرا: منظور جمع معدودی از کادر رهبری است که دارای گرایش‌های ناسیونالیستی هستند و عزمی راسخ برای تحقق توسعه دارند.

ب) استقلال نسبی دولت از جامعه: منظور از استقلال آن است که دولت قادر بوده که از علایق خاص طبقاتی، منطقه‌ای، و... به طور نسبی استقلال یابد و بدین وسیله این علایق را در پی منافع ملی، بی‌اهمیت ببیند.

ج) قدرت بورکراتیک: به معنای قدرت اقتدار، قابلیت و تکنیک نهادهای هدایت‌گر توسعه است که با جدایی از منافع خاص، حرکت‌های اساسی جهت تدوین سیاست توسعه را به پیش می‌برند. دولت توسعه‌گرا خود متصدی فعالیت اقتصادی نیست بلکه نقش سکاندار هر توسعه‌ای را ایفا می‌کند. (لفت ویچ، ۱۳۸۲)

کوهلی در کتاب توسعه دولت‌محور، تحلیل تاریخی- تطبیقی از دولت به مثابه یک کنش‌گر اقتصادی در چهار کشور کره، جنوبی، برزیل هند و نیجریه در نیمه دوم قرن بیستم را مورد بررسی قرار می‌دهد. او در این کتاب نقش دولت در تقویت یا تضعیف صنعتی شدن را برجسته می‌کند. اگرچه به شرایط متفاوتی که دولت‌ها با آن مواجه‌اند و ضرورت‌های زمینه اقتصادی جهانی هم اشاره می‌کند. (افشارکهن، ۱۳۸۸)

راتلی، از دیگر نظریه پردازان جدید در عرصه دولت‌های توسعه‌گرا بر این باور است که نسل جدیدی از دولت‌های توسعه‌گرا شکل گرفته است که از آن به عنوان دولت توسعه‌گرای اجتماعی یاد می‌کند. توجه به جنبه‌های سیاسی در برابر جنبه‌های اقتصادی از ویژگی شاخص این دولت‌هاست. او معتقد است تغییر در جغرافیای اقتصادی جهان و انبساط مالی و تجاری از عوامل تاثیرگذار در اصلاح نهادی دولت‌های توسعه‌گراست. راتلی با بحث درباره ریشه‌های دولت‌های توسعه‌گرا، داشتن گذشته تجاری، مساعد بودن شرایط ژئوپولیتیک و حیات در شرایط تهدیدهای امنیتی را از ویژگی‌های دولت‌های توسعه‌گرا می‌داند. (راتلی، ۲۰۱۲)

نظریه پردازان دولت توسعه‌گرا در ایران، تحقیق لغت ویج (۱۳۸۵) را مبنا قرار داده‌اند که از آن میان می‌توان به عباسی (۱۳۸۵) شیخزاده (۱۳۸۵)، ابراهیم بای سلامی (۱۳۸۸)، رنانی (۱۳۸۵)، طاهری (۱۳۸۵)، میری (۱۳۹۰) اشاره کرد.

رنانی (۱۳۸۵) که بر امر هدف‌گذاری در دولت‌های توسعه‌گرا تأکید دارد، معتقد است پیش‌شرط توسعه در ایران امروز اجماع بین بنیان‌گذاران و نیروهای کارآفرین و تحول‌خواه برآمده از درون نظام در مورد اهداف اصلی سازمان است. شیخزاده (۱۳۸۵) و عباسی (۱۳۸۵) بر اهمیت نقش نخبگان در توسعه و بی‌توجهی به این حوزه در دولت‌های معاصر ایرانی تأکید می‌کند، ابراهیمی بای سلامی (۱۳۸۸) و مؤمنی (۱۳۸۵) نیز ذیل بحث استقلال نسبی دولت در ایران به تحلیل مناسبات دولت و جامعه پرداخته‌اند. ابراهیم بای سلامی با استناد به آثار برخی از صاحب‌نظران توسعه از جمله کاتوزیان (۱۳۸۴)، اشرف (۱۳۸۸)، فوران (۱۳۸۶) و عظیمی (۱۳۹۱) نشان داده است مهم‌ترین معضلی که از این زاویه در تحلیل نقش دولت در توسعه و تحول اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، ماهیت رانتی نهاد دولت در ایران است که تشکل ویژه‌ای از «مناسبات دولت و جامعه» را در فرایند توسعه رقم زده است. دولت قسمت عمده درآمد خود را از منابع خارجی (در قالب درآمد ارزی) و به شکل رانت دریافت می‌کند (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۸).

نبلی (۱۳۸۵) نیز مدعی است بیش از ۷۰ درصد از منابع تراز پرداخت‌ها و در حدود ۷۰ درصد بودجه عمومی دولت به درآمدهای نفتی وابسته است. چنین دولتی از بخش خصوصی احساس استقلال کرده و نهادهای حامی و تشدیدکننده خود را طبق میل و سلیقه خودش تشکیل می‌دهد و در یک کلام ملت و دولتی رانتیر می‌سازد. (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۸ به نقل از مؤمنی، ۱۳۸۵). برخی نیز دولت توسعه‌گرا را به مثابه کنش‌گری مسئول و در تعامل با محیط بین‌المللی (کاظمی، ۱۳۸۵ و موثقی، ۱۳۸۶، صص، ۶۶-۶۴) در نظر گرفته‌اند. مطابق این چشم‌انداز، دولت توسعه‌گرا در سیاست خارجی خود، به گذر از دیدگاه‌های احساساتی به سوی واقع‌گرایی نیازمند است. میری (۱۳۹۰) و دلفروز (۱۳۹۳) منحصراً به شکل‌گیری ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا با دیدگاه تاریخی- تطبیقی پرداخته‌اند. نبوی (۱۳۹۰) به پیاده‌سازی الگوی لغت ویج در بررسی دولت‌های ایرانی (دولت‌های قبل از انقلاب اسلامی) پرداخته است. دلفروز (۱۳۹۳) نیز عدم اجماع نخبگان در ایران به معنای «چرخش پی‌درپی گفتمان در دولت‌های ایران بعد از جنگ تحمیلی (دهه ۷۰) را مانع شکل‌گیری وفاق بر سر توسعه و کنش‌گری دولت توسعه‌گرا می‌داند.

از منظر اندیشمندان اسلامی نقش دولت در توسعه جامعه به شکل دیگری تعبیر می‌شود. هدف دولت اسلامی از دیدگاه حضرت امام همان هدف نهایی ادیان آسمانی یعنی (توسعه معرفه الله) است و قرار است انسان با همه ابعاد مادی و معنوی‌اش ساخته شود. بنابراین ماهیت دولت اسلامی با دولت‌های دیگر اعم از استبدادی، لیبرال و سوسیالیست که هدفشان حداکثری کردن رفاه مادی جامعه است، تفاوت اساسی دارد. از نظر امام، دولت به مفهوم عام آن که در راس آن فقیه عالم و مدبری قرار داد، بایستی برای رسیدن به توسعه ای پایدار، عادلانه، حکیمانه و انسانی وظایف زیر را بر عهده گیرد: تاسیس بنیادهای قانونی نظیر قانون اساسی به منظور ایجاد آرامش و امنیت و وحدت ملی؛ برنامه ریزی برای توسعه بر اساس اصول و شاخص‌های ثابت اسلامی و تعیین عناصر متغیر با اصول ثابت؛ سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، فرهنگی و اجتماعی به منظور بهره‌برداری بهینه از طبیعت با حفظ محیط زیست؛ توسعه مشارکت مردم در همه امور؛ دخالت مسئولانه حکومت در بازار، تأمین اجتماعی، و تعادل اجتماعی. تنظیم مشارکت مردمی، حفظ استقلال همه جانبه، عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی و تشویق سرمایه‌گذاری در بلند مدت که از اهداف دولت اسلامی است. (جهانیان، ۱۳۸۹: ۱)

رهبر معظم انقلاب در بین شاخصه‌های جامعه توسعه یافته می‌فرماید: معیارهای پیشرفت عبارتند از ۱- فراصنعتی شدن ۲- خودکفایی در نیازهای اساسی ۳- افزایش بهره‌وری ۴- ارتقای سطح سواد ۵- ارتقای خدمت رسانی به شهروندان ۶- افزایش امید به زندگی ۷- رشد ارتباطات ۸- مبتنی شدن روند تحول بر عناصر اصلی هویت ملی و اساسی (بیانات ۱۳۹۰/۷/۲۴).

آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین فرآیند پنج‌گانه انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) بر این نکته تأکید دارند که با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و تثبیت قانون اسلامی در سال‌های ابتدایی، مراحل اول و دوم گام‌های پنج‌گانه محقق شده است اما به رغم تلاش‌های صورت گرفته، دولت اسلامی در معنای حقیقی محقق نشده و تأکید دارند که باید دولت اسلامی به عنوان گام سوم از روند تحقق تمدن اسلامی، هر چه زودتر محقق شود.

در دیدگاه مقام معظم رهبری دولت به معنای مجموعه کارگزاران و نهادهای حکمرانی اطلاق می‌شود: دولت به معنای عام به معنای قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه (بیانات ۱۳۷۹/۰۹/۱۲) آن چه در این دیدگاه معرف دولت اسلامی از سایر دولت‌ها است، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی دنبال می‌کند، معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و

رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار بسیار بارز است (بیانات ۱۳۸۴/۶/۸). (خسرو پناه، ج ۱: ۸۳)

از دیدگاه ایشان دولت اسلامی دارای سه رکن است که بدون همراهی و همروی آن‌ها عملاً امکان ساخت و تحقق دولت اسلامی ممکن نیست رکن اول مردم: نظام سیاسی اسلام، مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و اساساً نقش مردم در شکل‌گیری منظر و تداوم مسیر اسلامی دولت تعیین‌کننده است. رکن دوم کارگزاران: کارگزاران دولت اسلامی باید از نظر اعتقادی، اخلاقی و رفتاری منطبق بر دین و با الگوگیری از سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) رفتار کنند و رکن سوم نهادها و ساختارها: ولایت فقیه، قوه مجریه و قوه مقننه و قضائیه از جمله نهادها و ساختارهای اصلی می‌باشند.

۲- مبانی نظری پژوهش: نهادگرایی با رویکرد دولت توسعه‌گرا

پس از ورود کشورهای صنعتی به چرخه صنعت و توسعه و عقب ماندگی بسیاری از دیگر کشورها، ذهن تعدادی از اندیشه‌ورزان عرصه توسعه به این موضوع معطوف شد که چگونه می‌توان نسخه‌ای کاربردی و کارآمد برای این کشورها تجویز کرد تا امکان رهایی آنها از بند توسعه نیافتگی ممکن گردد. از همین روی در این بخش از پژوهش، کوشیده خواهد شد تا عمده‌ترین نظرات مطرح شده در زمینه توسعه، بررسی شده و از آن میان چارچوبی برای تحلیل موضوع پژوهش سامان دهی شود و بر اساس آن دولت‌های پس از انقلاب اسلامی را در برنامه‌های شش‌گانه توسعه در آن، ارزیابی نماییم.

- نظریه‌نوسازی: این نظریه در طول دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی، با پشتیبانی امریکا، به منظور جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های مارکسیستی در میان کشورهای توسعه نیافته، پارادایم غالب در مطالعات توسعه بود. از مهمترین نظریه پردازان برجسته این نظریه می‌توان به لرنر، روستو و پارسونز اشاره نمود. عمده‌ترین نظرات مکتب نوسازی را می‌توان این‌طور خلاصه کرد: نوسازی فرایندی تک‌خطی و لزوماً آمریکایی است که در طی آن کشورهای توسعه نیافته باید با بهره‌گیری از الگوی امریکایی توسعه خود را به سمت توسعه حرکت دهند. (تقی زاده طبری، ۱۳۸۸: ۹۳) برخی از مهمترین نقدهای مطرح شده به این نظریه هم این‌گونه قابل بیان است: اول اینکه، این موضوع که صرفاً الگوی امریکایی برای توسعه مطلوب است قابل‌باور نیست، دوم آنکه همواره نمی‌توان تمام سنت‌ها را از موانع توسعه در کشورهای توسعه نیافته تلقی نمود، دیگر آنکه علی‌رغم خوش‌بینانه بودن این نظریه برخی از کشورهایی که از این الگو پیروی کردند فقیرتر شدند. (لاهوریان، ۱۳۹۵: ۶۸)

- نظریه وابستگی: اگر نظریه‌نوسازی را امریکایی بدانیم، نظریه وابستگی را می‌بایست از نگاه کشورهای ارزیابی کنیم که توسعه یافته نبوده‌اند. از مهمترین نظریه‌پردازان این مکتب می‌توان دوس سانتوس، سمیر امین و آندره گوندر فرانک را نام برد. برخی از اساسی‌ترین مبانی این نظریه را این‌گونه می‌توان خلاصه نمود: وابستگی و توسعه نیافتگی وضعیتی است که از بیرون به کشورهای توسعه نیافته تحمیل شده

است، وابستگی عمدتاً بر پایه معیارهای اقتصادی به توسعه می‌نگرد، وابستگی و توسعه دو فرایند ناسازگار و متعارض هستند. از انتقادات جدی که می‌توان به این نظریه وارد نمود این است که: در این مکتب توسعه با رشد اقتصادی یکسان پنداشته می‌شود و از دیگر مولفه‌های توسعه غفلت می‌شود، دیگر آنکه توسعه نیافتگی کشورها جهان سوم را صرفاً با متغیر وابستگی با آن کشورها سنجیده می‌شود و از ارزیابی متغیرهای دیگر چشم‌پوشی می‌شود و آخر آنکه در تحلیل‌های مکتب وابستگی و نظریه پردازان آن، برای تحلیل پدیده عقب ماندگی، به ساختارهای درونی این کشورها توجهی نمی‌شود. (سیف، ۱۳۸۹: ۳۹)

- نظریه نظام جهانی: پیش‌فرض اساسی این نظریه این است که جهان جدید از یک اقتصاد جهانی سرمایه‌داری تشکیل شده که در دولت‌های ملی، بخشی از یک کل هستند و برای فهم تعارض‌های طبقات داخلی و نزاع‌های سیاسی دولت خاص، باید اقتصاد جهانی شناخته شود. (ساعی، ۱۳۸۸: ۳) نظریه پرداز غالب این دیدگاه ایمانوئل والرشتاین است. این نظریه ضمن شباهت‌هایی که با نظریه وابستگی دارد با گرایش نئومارکسیستی صاحب‌نظر خود، از دیدگاه‌های مکتب وابستگی فراتر می‌رود. از مولفه‌های اساسی این نظریه می‌توان به تقسیم نظام جهانی به سه ناحیه کشورهای مرکز (کشورهای توسعه یافته و با توان اقتصادی بالا)، کشورهای پیرامونی (کشورهای دارای منابع خام مورد استفاده کشورهای مرکز) و کشورهای نیمه پیرامونی (تلفیقی از دو الگوی قبلی)، تأکید بر ساختار سیاست بین‌الملل به عنوان انعکاسی از روابط سرمایه‌دارانه و متکی بر اصل نابرابری، نام برد. عمده‌ترین انتقادات وارد شده به این نظریه نیز عبارتند از: بی‌توجهی نسبی به ساختارهای طبقاتی داخل کشورهای توسعه نیافته، تأکید بیش از حد بر متغیر اقتصاد به عنوان عامل توسعه و توسعه نیافتگی و بی‌توجهی به واحد تحلیل دولت - ملت. (ساعی، همان: ۱۷-۱۴)

- نظریه نهادگرایی با رویکرد دولت محور : به دنبال افول نظریه های قبلی، گرایش به نظریات جدیدی که امکان ارائه راه حل برای توسعه یافتگی کشور های توسعه نیافته را داشته باشد، افزایش یافت. از میان این نظریه ها، نظریه نهاد گراها از ابعاد گوناگون، اهمیت ویژه ای برخوردار است. از جمله آنکه پیشرفت کشورهای تازه صنعتی شده در شرق و جنوب شرق آسیا، همچون تایوان، ژاپن، چین، مالزی و... در قالب همین نظریه قابل تبیین است. آنچه که در این بخش از جستار مورد نظر خواهد بود، نهاد دولت و نقش آن در پیمودن مسیر توسعه است. امروزه در فرآیند توسعه، ارزیابی نقش دولت از تصمیم سازی ها و سیاستگذاری های عمومی آن در خصوص تشخیص مشکل و حل آن در عرصه عمومی، مهمترین مولفه نهادگرایی محسوب می شود. پیتر اوانز و لفت ویچ، به عنوان دو تن از مهمترین نظریه پردازان دولت توسعه گرا هستند. در توصیف موج جدید نهادگرایی، موتور محرکه ای که چرخ توسعه پایدار را به حرکت در می آورد، کارآفرینان و تولیدکنندگان بخش خصوصی و دولت، به عنوان حامی و هادی آنها می دانند. (حبیبی، ۱۳۸۹: ۶۳)

در این نظریه هم به تولید و هم به کیفیت توزیع ثروت در جامعه، به عنوان دو عنصر اساسی در علم اقتصاد توجه می شود. در حوزه سیاسی و رویکرد دولت محور نظریه نهادگرایی، از سه دولت می توان نام برد: (حبیبی، همان: ۶۳)

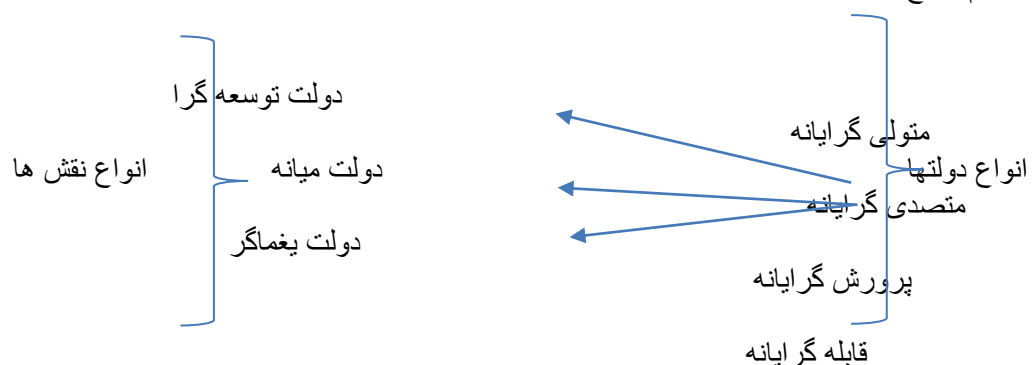
الف) دولت توسعه گرا: دولتی که خصوصیت استقلال متکی بر جامعه مدنی در آن وجود داشته باشد. در دولت توسعه گرا، اتصال به جامعه مدنی، به معنای پیوند داشتن با نخبگان صنعتی است. در این مدل، دولت و جامعه به یکدیگر کمک کرده و این تقویت متقابل، شالوده موفقیت دولت است. دستگاه دولتی منسجم و کارآمد، موجب تسهیل سازماندهی سرمایه صنعتی شده و طبقه صنعتگران سازمان یافته نیز اجرای پروژه های مشترک صنعتی شدن را تسهیل می کنند و به این ترتیب دولت و صنعتگران مشروعیت می یابند. لفت ویچ در تعریف دولت توسعه گرا معتقد است، دولت های توسعه خواه را می توان به عنوان دولت هایی تعریف کرد که سیاست آنها قدرت، استقلال، ظرفیت یا کارآمدی کافی را در مرکز استقرار می نهند تا نیل به اهداف توسعه ای را شکل داده و تشویق و حمایت کنند. ب) دولت یغماگر : این دولت نقطه مقابل دولت قبلی است. فقدان قانون مدنی، جایگزینی روابط به جای ضوابط، شکاف میان قدرت سیاسی و طبقات اجتماعی و عدم شایسته سالاری از جمله ویژگی های این دولت است. ج) دولت میانه : این دولت حداقل دو دولت قبلی است. آمیزه ای از خصوصیات گفته شده، فقدان گزینش گری برای پروژه های تحول صنعتی و عدم پیش بینی آینده، از جمله ویژگی های آن است.

از نگاه نهادی، هر کدام از سه دولت گفته شده، به ایفای نقش های مختلفی می پردازند: نقش متولی گری با خصوصیت قانون گذارانه و مراقبت کننده که مانع تحول و توسعه است؛ نقش متصدی گری، که در آن دولت نقش تولید کننده عمده به خود می گیرد و جایگزین بخش خصوصی می شود و نقش و جایگاهی برای کارآفرینان و صنعت گران بخش خصوصی باقی نمی ماند؛ نقش قابله گری، که در آن دولت به عناوین مختلفی از جمله سوبسید، کاهش واردات و وضع تعرفه و... به تشویق بخش خصوصی می پردازد و نهایتاً نقش پرورش گری که در آن دولت بعد از ظهور گروه های کارآفرین در بخش خصوصی، از آنها حمایت می کند و به رشد و پرورش آنها نظارت و اهتمام دارد.

بر اساس نگاه نهاد گرا، نقش های متولی و متصدی گرایانه از ویژگی های غیر توسعه گراست و نقش های قابله و پرورش گرایانه نیز از جمله ویژگی های دولت های میانه و توسعه گراست.

نمودار ۱

ترسیم انواع دولت و نقش های آن در نظریه نهادگرایی با رویکرد دولت محور



با توجه به تحلیل آورده شده ، می توان دولت های انقلاب اسلامی را بسته به شرایط تاریخی مختلف در نقش هایی همچون متولی گرایانه، متصدی گرایانه و تا حدود کمی قابل گرایانه، به صورت شناور ، مشاهده نمود و این گونه ادعا کرد که هرگز این دولت ها نتوانسته اند نقش پرورش گرایانه ای را از خود منعکس نمایند.

جدول شماره یک(مکاتب و پارادایم های غالب توسعه)

ردیف	نام نظریه	مؤلفه های اساسی آن	نقد های اساسی	نظریه پردازان مطرح
۱	نظریه نوسازی	-نوسازی فرآیندی آمریکایی است. -نوسازی فرآیندی مرحله ای ، تک خطی و یکتاست. -سنت ها عامل توسعه نیافتگی تلقی می شوند.	-بی توجه به بسترهای سنتی جوامع توسعه نیافته -ناتوانی در ارائه نظری عام و کلی	لرنر پارسونز و روستو
۲	نظریه وابستگی	-توسعه نیافتگی وضعیتی است که از بیرون به کشورهای توسعه نیافته تحمیل می شود. -وابستگی و توسعه ، دو فرآیند ناسازگار هستند. -توسعه نیافتگی به دلیل ضعف اقتصادی است.	-به ضعف ساختارهای داخلی کشورهای توسعه نیافته توجه نمی شود. -میان وابستگی و توسعه نیافتگی ، تفکیکی قائل نمی شود. -نگاه تک بعدی و صرفاً اقتصادی به توسعه نیافتگی دارد.	-آندره گوندر فرانک -سمیر امین -دوس سانتوس
۳	نظریه نظام جهانی	-تقسیم سه گانه نظام بین الملل به مرکز پیرامون و نیمه پیرامون -ساختار سرمایه دارانه نظام بین الملل	-بی توجهی به ساختارهای طبقاتی جوامع توسعه نیافته -بی توجهی به واحد تحلیل دولت - ملت	-آندره گوندر فرانک
۴	-نهادگرایی دولت - محور	-تاکید بر نقش دولت به عنوان نقطه محرک توسعه دولت مستقل و متکی	پررنگ بقودن نقش دولت در تحولات گوناگون	-لفت ویچ -پیتر اوانز

۳-نگاهی اجمالی به برنامه های توسعه پس از انقلاب اسلامی

جدول ۲: مقایسه اهداف اصلی، اهداف کلی، ارگان برنامه ریزی، اسناد و افق زمانی برنامه توسعه

برنامه	هدف اصلی	اهداف کلی	افق زمانی
اول	۷۲-۱۳۸۶	* سازمان دهی توسعه و بازسازی اقتصادی کشور در پایان جنگ	جامع جهت گیری بلندمدت ندارد
دوم	۷۸-۱۳۷۴	* تثبیت اقتصادی و ساماندهی فعالیت های بخش بازار	جامع جهت گیری بلندمدت ندارد
سوم	۸۳-۱۳۷۹	* تثبیت اقتصادی و ساماندهی فعالیت های بخش بازار	جامع جهت گیری بلندمدت ندارد
چهارم	۸۸-۱۳۸۴	* رشد پایدار اقتصادی دانایی محور	جامع مبتنی بر چشم انداز
پنجم	۹۴-۱۳۹۰	* پیشرفت عدالت محور	جامع مبتنی بر چشم انداز
ششم	۱۴۰۰-۱۳۹۶	* رشد تولید رقابتی مبتنی بر دانش و بهره وری در چارچوب اقتصاد مقاومتی و فرهنگ اسلامی- ایرانی و تعامل سازنده با جهان	جامع مبتنی بر چشم انداز

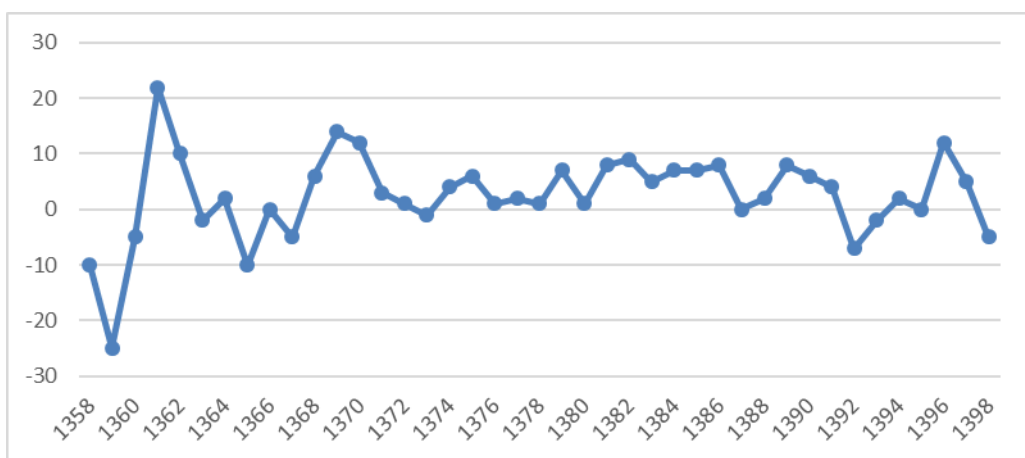
منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه، مهر ۱۳۹۵ (گزارش مطالعه شاخص های توسعه ۲۰:۱۳۹۹)

۴- بررسی شاخص توسعه اقتصادی در برنامه های توسعه

۴-۱ رشد اقتصادی

رشد اقتصادی به بیانی ساده عبارت از افزایش ظرفیت های اقتصاد کشور برای تولید کالا و خدمت طی يك دوره زمانی معین است. رشد اقتصادی توسط شاخص های مختلفی قابل اندازه گیری است که رایج ترین آنها نرخ است. شاخص های مختلف (GNP) یا نرخ تغییرات تولید ناخالص ملی (GDP) تغییرات تولید ناخالص داخلی رشد، به صورت ارقام رسمی و واقعی قابل بیان است. در متغیر های واقعی، اثر تورم زدوده شده و لذا ارقام قابل مقایسه با ارقام سال های گذشته هستند. ممکن است شاخص های رشد به صورت سرانه نیز محاسبه شود که به نوعی دلالت بر تغییرات رفاه در جامعه دارد به طور متداول، زمانی که صحبت از رشد اقتصادی می شود، منظور نرخ تغییرات تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت طی يك سال نسبت به سال گذشته است.

در نمودار ۲ و جدول ۳، رشد اقتصادی ایران در دهه های بعد از انقلاب اسلامی در دو ستون هدف گذاری و عملکرد رشد ارائه شده است.



نمودار ۲ رشد اقتصادی ایران در دوره بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۹۸) منبع: بانک مرکزی ایران

جدول ۳: رشد اقتصادی ایران در سال‌ها و دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی

دوره‌ها	رشد اقتصادی (درصد)			
	هدف‌گذاری		عملکرد	
	عدد	منبع	عدد	منبع
دوران انقلاب جنگ (۱۳۵۸-۱۳۶۷)	-	-	۲، ۳-	منبع: بانک مرکزی ایران سری زمانی حساب‌های ملی کشور، محاسبات مطالعه
برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۳)	۸	منبع: قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۲، ۷	منبع: گزارش عملکرد برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور
برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	۵، ۱	منبع: قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۲، ۶	منبع: گزارش عملکرد برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور
برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	۶	منبع: قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	۵، ۸	منبع: گزارش عملکرد برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور
برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)	۸	منبع: قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پس از تدوین سند چشم‌انداز ۴، ۱۴ هدف‌گذاری همه برنامه‌ها رشد اقتصادی ۸ درصد است.	۴، ۴	منبع: گزارش عملکرد برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور
برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)	۸	منبع: قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	متوسط برنامه پنجم بر مبنای سال پایه ۱۳۹۰: ۷، ۰- درصد چهار سال اول برنامه پنجم بر مبنای سال پایه ۱۳۸۳: ۴، ۰- درصد	منبع: بانک مرکزی ایران سری زمانی حساب‌های ملی کشور، محاسبات مطالعه
برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰)	۸	منبع: سند قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور	سال ۱۳۹۵: ۵، ۱۲؛ سال ۱۳۹۶: ۷، ۳؛ برآورد سال ۱۳۹۷: ۶، ۴؛ برآورد سال ۱۴۰۰: ۱۴۰۰؛ (۱) برآورد صندوق ۲۰۱۷: ۴، ۴؛ (۲) برآورد پورگنسن و هوانگ: ۴، ۰۱؛ (۳) هدف‌گذاری برنامه ششم: ۸	۱- رشد اقتصادی سال ۱۳۹۶: بانک مرکزی ۲- گزارش صندوق از بخش آسیای میانه و خاورمیانه، ۲۰۱۵ ۳- رشد سال ۹۷ تا ۱۴۰۰: گزارش هیئت مشاوره‌ای ماده ۴ صندوق بین‌المللی پول درباره ایران، ۲۰۱۷ ۴- برآورد پورگنسن و هوانگ (۲۰۱۰) از پتانسیل رشد اقتصادی تا ۲۰۲۰
دوره باثبات ۱۳۸۶-۱۳۷۹	-	-	۶، ۱	منبع: سند قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور
دوره اول تا پنجم توسعه ۱۳۶۸-۱۳۹۴	-	-	۴	منبع: سند قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

(گزارش شاخص‌های توسعه، ۱۳۹۹: ۵۲)

مقایسه داده‌ها، ما را به چند گزاره رهنمون می‌کند:

۱) کاستی عملکرد نسبت به اهداف برنامه‌های توسعه: در بیشتر برنامه‌های توسعه، عملکرد رشد اقتصادی از هدف‌گذاری آن پایین‌تر بوده است. مطابق جدول ۳، در برنامه‌های اول و دوم توسعه و برنامه‌های معطوف به چشم‌انداز (چهارم، پنجم) عملکرد رشد از هدف تعیین شده، پایین‌تر بوده است.

۲) وابستگی رشد اقتصادی به نفت و تأثیر شوک‌های اقتصادی برون‌زا: خصوصیت مشترک رشد اقتصادی در برنامه‌های توسعه، وابستگی به درآمدهای در حال نوسان نفت است؛ به‌طوری که موفقیت هدف‌های توسعه به سطح درآمدهای نفتی وابسته است. با وجود اینکه رشد اقتصادی، نخستین هدف برنامه‌های توسعه بوده؛ به دلیل نوسان قیمت نفت در بازارهای جهانی، شاهد وابستگی رشد اقتصادی به نوسان‌های نفت و افت‌وخیز در این شاخص هستیم.

۳) تأثیر شرایط سیاسی در کاهش شتاب رشد: به‌عنوان نمونه باید به تأثیر سال‌های انقلاب و جنگ در کاهش شتاب رشد و عدم تداوم آن اشاره کرد. داده‌های نمودار ۱ نشان می‌دهد متوسط نرخ رشد اقتصادی دهه ۱۳۶۷-۱۳۵۸، ۳/۵- درصد است.

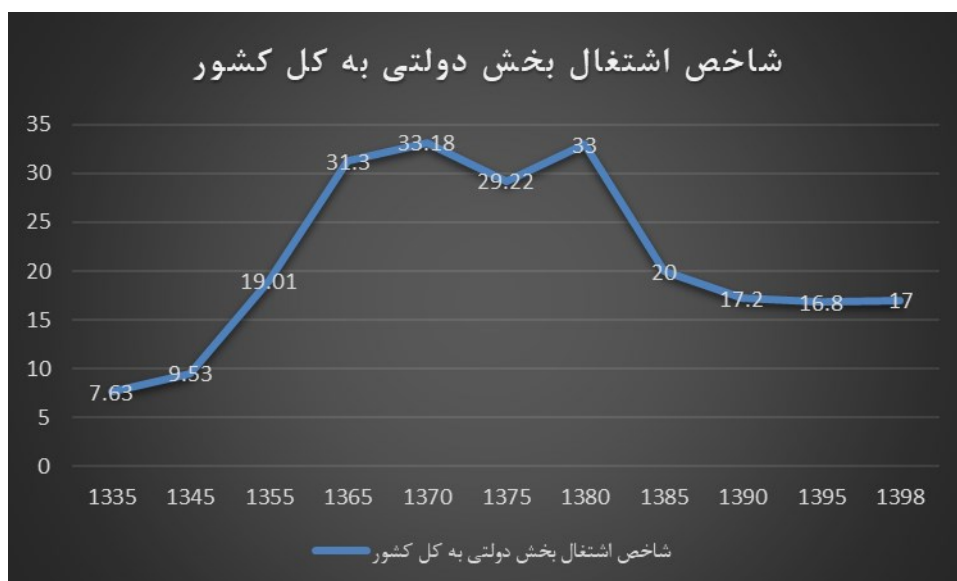
۲-۴- اندازه دولت

اندازه دولت در اقتصاد ایران برحسب تعاریف گوناگون بسیار متفاوت است. دولت مرکزی، دولت عمومی و بخش عمومی، سه تعریف و اندازه متفاوت از نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ایران به دست می‌دهند. در کشور ما، اندازه دولت عمومی که علاوه بر نهادهای دولت مرکزی مشتمل بر شهرداری‌ها و سازمان‌های بیمه و تامین اجتماعی است، به دلیل ناتوانی نظام درآمد و هزینه استان‌ها، سیاست‌های تمرکزگرایی که سالیان متمادی در کشور اجرا شده است و مشکلات گزارش‌دهی و ضعف آماری، اختلاف چندان با اندازه دولت مرکزی ندارد، لیکن، به دلیل گستردگی حجم فعالیت‌های تصدیگری دولت که از طریق شرکت‌ها، بانک‌ها، موسسه انتفاعی وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی صورت می‌گیرد، اندازه بخش عمومی تفاوت فاحشی با اندازه دولت مرکزی و دولت عمومی دارد. به علاوه، اندازه بخش عمومی در ایران در مقایسه‌های بین‌المللی تفاوت معنی‌داری با اندازه بخش عمومی دیگر کشورها پیدا می‌کند. ضمن آنکه به دلیل ضعف آماری، اطلاعات چندان از کمیت و کیفیت مخارج نهادهای عمومی غیردولتی در اختیار نیست. اندازه دولت در اقتصاد ایران، طی چند دهه اخیر، متأثر از افزایش قیمت جهانی نفت، انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ و رشد قیمت‌ها دستخوش نوساناتی بوده است. به خصوص وابستگی منابع مالی دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام در این دوره تأثیر مستقیمی بر ایجاد ساختار دولتی اقتصاد و گسترش اندازه دولت داشته است. همزمان نوسانات یا تکانه‌های جهانی قیمت نفت نیز اسباب بی‌ثباتی اقتصاد و تشدید مداخلات دولت در اقتصاد ایران را فراهم نموده است. دولت‌ها در کلی‌ترین شکل از سه جایگاه در فعالیت‌های اقتصادی مداخله می‌کنند:

-از جایگاه مقام حافظ منافع نسل‌های حاضر و آینده، به نمایندگی از جانب حکومت

-از جایگاه مقام منتخب اکثریت جامعه‌ای که به برنامه‌های آن رای داده است

از جایگاه یک کارفرمای بزرگ، در موضع بنگاه‌دار و در چارچوب عملیات شرکت‌ها و موسسات دولتی



نمودار ۴: شاخص اشتغال بخش دولتی به کل اشتغال کشور در فاصله زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۸
منبع: گزارش معاونت منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰: وبسایت اقتصاد آنلاین، ۲ آذر ۱۳۹۸

پژوهشگران برای سنجش اندازه دولت عمدتاً ترجیح می‌دهند از نسبت هزینه‌های دولتی به تولید ناخالص داخلی استفاده کنند که شامل سه شاخص اندازه دولت مرکزی، اندازه دولت عمومی و اندازه بخش عمومی می‌شود. طبق قوانین بودجه، دولت مرکزی در ایران شامل وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی است. دولت عمومی همه واحدهای دولتی و همه مؤسسات غیرانتفاعی غیربازاری که توسط واحدهای دولتی کنترل و تأمین مالی می‌شوند را دربرمی‌گیرد و شامل شرکت‌های عمومی یا شبه‌عمومی نمی‌شود. بخش عمومی فراگیرترین سطح دولت در اقتصاد است و طبق تعریف قانون بودجه، شامل دولت مرکزی، سازمان‌های تأمین اجتماعی، شهرداری‌ها، شرکت‌های دولتی، بانک‌ها (شامل بانک مرکزی)، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و نهادهای عمومی غیردولتی می‌شود.

۳-۴- روند اشتغال و بیکاری

ارزیابی راهبردها و عملکردها در زمینه اشتغال در دهه اخیر چکیده تحولات چند دهه اخیر در سطح جهانی، تمرکز رقابت را در عرصه فناوری و توسعه منابع انسانی در پی داشته است. پدیده بیکاری دیر زمانی است که به عنوان یکی از معضلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و حتی سیاسی در جوامع بشری خصوصاً جهان در حال توسعه مطرح است. بیکاری در اقتصاد به عنوان نوعی بیماری به حساب می‌آید و در مقابل، اشتغال را عامل و شاخص توسعه می‌دانند. در ایران، وابستگی شدید اقتصاد کشور به نفت یعنی بیماری مزمن تک پایه ای بودن اقتصاد از یک طرف، معضلات متعدد موجود در بازار کار ایران از طرف دیگر و همچنین رشد بی رویه جمعیت در دهه ی اول بعد از انقلاب، رشد فزاینده خیل بیکاران در سال های اخیر را موجب گردید.

در این بخش از پژوهش، داده‌های مربوط به نرخ بیکاری و روندهای اشتغال در کشور ارائه می‌شود و مورد مقایسه قرار می‌گیرد. پیش از تحلیل داده‌ها، ذکر چند نکته لازم است: نخست، هدف‌گذاری بیشتر برنامه‌های توسعه کشور برای رساندن نرخ بیکاری زیر ۱۰ درصد بوده؛ اما شایان توجه است که در بیشتر سال‌های ۱۳۸۴ یا ۲۰۰۵ به بعد، ایران یکی از کشورهای دارای نرخ بیکاری بالا در مقایسه با کشورهای منطقه چشم‌انداز است. دوم، اشتغال‌زایی هدف محوری دولت‌های یازدهم و دوازدهم بوده، اما کاملاً واضح است که معیارهای اشتغال هنوز به‌طور مشخص تعریف نشده و نیز، به‌رغم کاهش تعداد جمعیت بیکار در سرشماری سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰، بهبود شاخص بیکاری تنها با تلاش دولت مسیر نیست، بلکه از یک سوی، از دینامیسم‌های اقتصادی و دوره‌های رکود و رونق اقتصادی در سطح جهان متأثر بوده و از سوی دیگر، نیازمند بازساخت اقتصادی کشور و فعال کردن زنجیره کسب‌وکارها است.

ب) شاخص بیکاری: شاخص بیکاری در کنار تورم و رشد اقتصادی، سه شاخص اصلی در برنامه‌های توسعه است. جدول ۴، هدف‌گذاری و عملکرد شاخص بیکار را در برنامه‌های اول تا ششم توسعه نشان می‌دهد.

عملکرد بیکاری در پایان برنامه اول به ۱۱،۵ درصد رسید که بهتر از هدفگذاری ۱۲،۶ درصدی بود. همچنین طبق اهداف برنامه دوم توسعه، باید نرخ بیکاری به ۱۲،۶ درصد کاهش می‌یافت؛ در حالی که عملکرد آن ۱۳ درصد را نشان می‌دهد. نرخ بیکاری در پایان برنامه سوم به کمتر از میزان هدفگذاری شده رسید (هدفگذاری بر ۱۰،۷ تا ۱۲،۶ و عملکرد برنامه ۱۲ درصد). طبق هدف برنامه چهارم توسعه، نرخ بیکاری باید در پایان سال چهارم به ۱۰/۱ درصد کاهش می‌یافت، در صورتی که عملکرد آن ۱۱،۱ درصد شد. نهایتاً اینکه عملکرد نرخ بیکاری ۱۱،۳ درصد در برنامه پنجم و هدفگذاری بر ۷ درصد بود که نوعی گسست در دستیابی به هدف را نشان می‌دهد. هدفگذاری برنامه ششم نیز بر رساندن نرخ بیکاری از ۱۲،۶ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۸،۶ درصد در سال ۱۴۰۰ و متوسط ۹،۴ درصدی در طول برنامه ششم است (مجموعه قوانین برنامه ششم توسعه کشور، ۷۳).

جدول ۴: هدفگذاری و عملکرد شاخص بیکاری در برنامه‌های اول تا ششم توسعه

برنامه	هدفگذاری نرخ بیکاری (درصد)	عملکرد نرخ بیکاری (درصد)
اول	۱۲،۶ منبع: مستندات برنامه‌های اول تا ششم توسعه، سازمان برنامه و بودجه کشور	۱۱،۵ منبع: گزارش عملکرد برنامه‌های اول تا پنجم توسعه
دوم	۱۲،۶	۱۳ (چهار سال آخر برنامه دوم ۱۲ درصد)
سوم	۱۲،۶	۱۲
چهارم	۱۰،۱	۱۱،۱
پنجم	۷	۱۱،۴
ششم	۹،۴	برنامه ششم (۱۳۹۶): ۱۲،۱ (۱۳۹۸): ۱۷،۹
		منبع مرکز آمار ایران

در جدیدترین آمار در سال ۱۳۹۵ از نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر نشان می‌دهد که ۱۰/۷ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار) طی چهار هفته منتهی بر هفته مرجع آمارگیری بیکار در سال ۱۳۹۸ به میزان ۴/۱ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیش‌تر از فقر اقتصادی فعال بوده‌اند. یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به سال قبل ۱۳۹۷ ۰/۴ درصد کاهش داشته است بررسی نرخ بیکاری گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله نیز نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ ۱۷/۹ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار بوده‌اند. بررسی مهم جمعیت دارای اشتغال ناقص ۱۵ ساله نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ ۹/۹ درصد جمعیت شاغل به دلایل اقتصادی (فصل غیرکاری، رکود کاری، پیدا نکردن کار، ساعت اضافی و...) کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی بوده‌اند (خبرگزاری تسنیم: ۱۴- اردیبهشت ۱۳۹۹).

۴-۴- تورم

تورم عبارت است از فرآیند افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها و به عبارت دیگر کاهش مستمر ارزش پول. برخی اقتصاددانان تعاریف دیگری نیز ارائه داده اند: افزایش مستمر و نامنظم سطح عمومی قیمت ها

نکته اساسی که باید به آن توجه کرد آن است که وجود تورمی ملایم برای رشد اقتصادی لازم و ضروری است چراکه این امر به بنگاههای تولیدی انگیزه لازم برای تولید و فعالیت اقتصادی را می‌دهد. بنابراین صفر کردن تورم به هیچ وجه مطلوب نمی باشد بلکه در اقتصاد هدف آن است که از رشد افسار گسیخته تورم به صورتی که به اقشار جامعه برای تأمین مایحتاج خود فشار آورد، جلوگیری شود و رشد آن تحت کنترل باشد

تورم در اقتصاد ایران ریشه ها و علت های بسیاری دارد. در اینجا به ریشه ها و موانعی که در سر راه حل این معضل وجود دارد اشاره می شود

شوک های نفتی و رشد نقدینگی

بودجه عمومی و اتکا به درآمدهای نفت

کسری بودجه

سیاست کاهش ارزش پول ملی و سیاست های حمایتی

قیمت گذاری نامناسب تولید کنندگان

جدول ۵: هدف گذاری و عملکرد نرخ تورم در برنامه های اول تا ششم توسعه، سال پایه ۱۳۹۵

برنامه	هدف گذاری نرخ تورم (درصد)	عملکرد نرخ تورم (درصد)
اول	۱۴،۴	۱۷،۸
دوم	۱۳،۴	۲۳،۵
سوم	۱۵،۹	۱۴
چهارم	۹،۹	۱۴،۴
پنجم	۱۲	۲۱،۱
ششم	۸،۸	سال اول برنامه ششم (۱۳۹۶): ۹،۶

منبع: اسناد برنامه های اول تا ششم توسعه، داده های بانک مرکزی

با توجه به آمار کشور در دهه جنگ تحمیلی- البته به استثنای شوک نفتی سال ۱۳۶۵ که نرخ تورم را به بالای ۲۵ درصد رساند- یکی از پایین ترین نرخ های تورم بعد از انقلاب را تجربه کرد.^۱ در دهه های بعد از جنگ تحمیلی، به دلیل سیاست های تعدیلی و ضرورت های باز ساخت اقتصادی در نیمه دوم دهه ۷۰، نرخ تورم حتی به بالای ۴۰ درصد نیز رسید. جهش بعدی در نرخ تورم سال های تحریم هسته ای، به خصوص سال ۱۳۹۲ و تورم ۳۵ درصدی بود. بر اساس آمار های بانک مرکزی، نرخ تورم سال های ۹۷ و ۹۸ به ترتیب ۳۱/۲ درصد و ۱۴/۲ درصدی بوده است بر اساس این آمار نرخ تورم سال گذشته در چهار اخیر، بالاترین نرخ تورم سالیه کشور بعد از سال ۱۳۷۴ بوده است: (دنیای اقتصاد ۱۳۹۹/۱/۱۹).

کاهش نرخ تورم به منظور تثبیت سایر شاخص های توسعه، نقش کلیدی دارد و تورم بالا، معمولاً با ایستایی رشد اقتصادی و افزایش بیکاری همزمان است. به عنوان مثال، می توان ایجاد وضعیت رکود تورمی در کشور در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ را شاهد مثال آورد. هدف گذاری برنامه ششم بر تثبیت نرخ تورم در ۸،۸ درصد تا ۱۴۰۰ است. اگر این هدف تحقق یابد، گام بزرگی در تثبیت وضعیت اقتصادی کشور برداشته شده است.^۲ زمانی که بررسی تطبیقی نرخ تورم در ایران و سایر اقتصاد های نوظهور و دولت های توسعه گرا مورد نظر باشد؛ در بیشتر سال های بعد از انقلاب اسلامی، ایران یکی از ۱۰ کشور دارای بالاترین تورم بوده است. تورم در دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۲ در کشورهای ثروتمند اروپای غربی و آمریکای شمالی، حدود ۲ درصد (بیگتی، ۱۵۹: ۱۳۹۶) و در اقتصاد های نوظهور زیر ۸ درصد بوده است. به واقع، نوسانات بالا و تکان های شدید نرخ تورم در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۷۰ یعنی سال های تثبیت تورم در اقتصاد های نوظهور، آسیب زیادی به کشور وارد کرده است. تحقق رشد اقتصادی ۸ درصد تا پایان برنامه ششم، مستلزم تثبیت نرخ تورم در میانگین ۷،۵ در دوره طول دوره برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶) و کاستن از حجم مداوم نقدینگی در اقتصاد کشور است.

۵- سنجش و بررسی شاخص توسعه سیاسی

۵-۱- شاخص مشارکت در انتخابات

لزوم مشارکت مردم در تمام فعالیتهای اجتماعی و سیاسی امروزه در همه جوامع پذیرفته شده و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده میشود انتخابات از ارکان مهم شکل گیری ساختار سیاسی در نظام های دموکراتیک به شمار می رود و در برگیرنده چرخش مسالمت آمیز قدرت، گسترش نظارت مردم، مشارکت لایه های مختلف و رشد نهادهای جامعه مدنی است انتخابات مهمترین و بارزترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است که از یکسو پایه های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می دهد و از سوی دیگر مالک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است؛

^۱- نرخ تورم دوره جنگ به خصوص سال های ۱۳۶۳ (۱۰،۴) و ۱۳۶۴ (۶،۹) نشان می دهد، کشور در این برهه یکی از پایین ترین نرخ های تورم را در مقایسه با سال های بعد از جنگ تجربه کرده است. نکته قابل توجه در دوران جنگ تحمیلی، سیر نزولی نرخ تورم به استثنای دو سال پایانی جنگ است.

^۲- متأسفانه تحریم جدید آمریکا و خروج این کشور از برجام، بر این هدف سایه افکنده است.

نمودارهای ۵ و ۶ نرخ مشارکت مردم دوره‌های مختلف انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ایران را نشان می‌دهد. نگاهی به جدول و مقایسه آن با مشارکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری ایران، چند نکته را روشن می‌کند:

سطح مشارکت مردم ایران در انتخابات ریاست جمهوری همواره بالاتر از انتخابات پارلمانی بوده است. یکی از دلایل این موضوع، این است که هر دولتی با یک گفتمان بزرگ که چرخش آشکاری با دولت‌های قبلی دارد، وارد کارزار انتخاباتی شده و ضمن کسب مقبولیت، آرای مردم را اخذ می‌کند. چنین چرخش گفتمانی در انتخابات پارلمانی را به استثنای دوره‌های پنجم و ششم مجلس، در کمتر انتخابات مجلسی می‌توان مشاهده کرد. همچنین تفاوت‌های منطقه‌ای، قومیتی بر میزان مشارکت در انتخابات مجلس، بیش از انتخابات ریاست جمهوری اثر دارد.



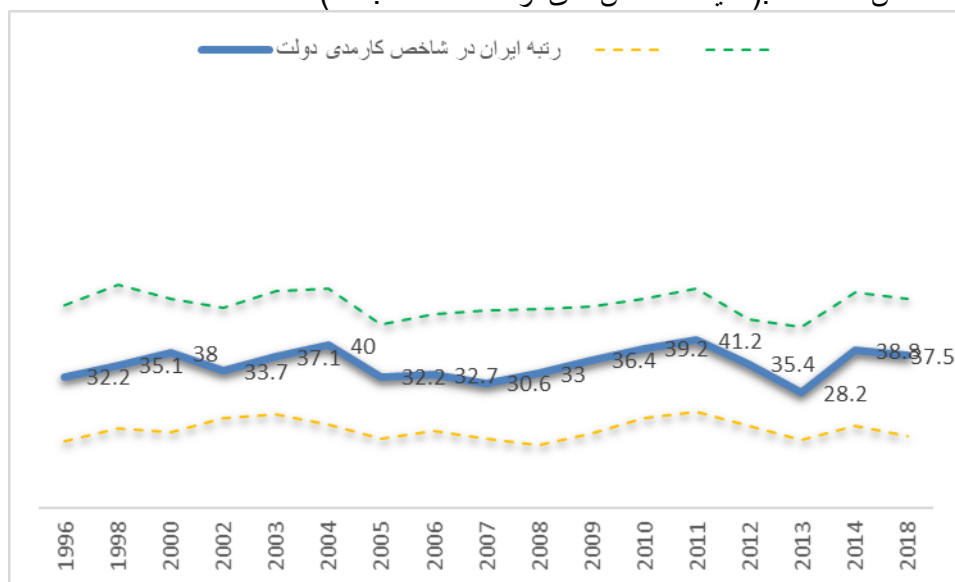
نمودار ۵: نرخ مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی از دوره اول تا دهم



نمودار ۶: نرخ مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری از دوره اول تا دوازدهم
منبع: آمارها برگرفته از وزارت کشور

۵-۲- شاخص کارآمدی دولت

بانک جهانی از سال ۱۹۹۶، شاخص کارآمدی دولت^۱ را محاسبه می‌کند. براساس آن، به هر کشور نمره‌ای از ۰ تا ۱۰۰ داده می‌شود که هرچه این نمره بیشتر باشد؛ به معنای کیفیت بهتر نهاد دولت در آن کشور است. شاخص کارآمدی دولت بر پایه مؤلفه‌هایی از جمله کیفیت ارائه خدمات عمومی، کیفیت ارائه خدمات مدنی و اداری و انفکاک آن از فشارهای سیاسی، کیفیت سیاست‌گذاری و اجرا و میزان پایبندی دولت به سیاست‌های اعلامی خود تعریف شده و از طریق نظرسنجی از شهروندان، بازرگانان، اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی و تجاری هر کشور درباره عواملی چون کارکرد دولت، شیوه اخذ مالیات، ایجاد زیرساخت‌ها، حجم و میزان بوروکراسی، پاسخگویی دولت به وقایع طبیعی سنجیده می‌شود. براساس گزارش بانک جهانی سال ۲۰۱۵ در دوره ۲۰ ساله ۱۹۹۶-۲۰۱۴ (تقریباً هم‌زمان با برنامه‌های دوم تا پنجم)، شاخص کارآمدی دولت در ایران در هر محاسبات سالیانه، میانگینی پایین‌تر از ۵۰ بوده (نمودار ۷) و ایران از بین ۲۰۰ کشور رده‌های بالاتر از ۱۰۰ را به خود اختصاص داده است. البته در گزارش سال ۲۰۱۶ بانک جهانی درباره رتبه‌بندی کشورها در شاخص کارآمدی دولت، رتبه ایران در سال ۲۰۱۵، ۱۱۳ اعلام شده که نسبت به رتبه ۱۳۲ در سال ۲۰۱۴، ۱۹ پله بهبود یافته است. در جدیدترین آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۸ دولت ایران در شاخص کارآمدی دولت‌ها نمره ۳۷/۵ را بدست آورده و در رده‌بندی جهانی جایگاه ۱۳۱ را به خود اختصاص داده است. (مقایسه شاخص‌های توسعه ۱۳۹۰: ۸۹)



نمودار ۷: رتبه ایران در شاخص کارآمدی دولت (۱۹۹۶-۲۰۱۸)

منبع: بانک جهانی، ۲۰۱۸

۶- نتیجه‌گیری

نظریه پردازان مکاتب توسعه، نظرات مختلفی در ارتباط با جایگاه دولت و نقش آن در راهبردهای توسعه بیان داشته‌اند. این نظرات متناسب با شرایط حاکم بر هر دوره تغییراتی داشته و دولت‌ها در کاربرد آنها روش متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. در میان کشورهای در حال توسعه، ایران یکی از پیشگامان تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه و قبض و نقش دولت است. در دوران پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۴۰۴ شش برنامه توسعه طراحی و تدوین شده است. بسیاری از متفکران عدم اتخاذ مواضع و پای بندی به سیاست‌های روشن توسعه‌ای از سوی دولت‌ها را توضیح دهنده دشواری‌های توسعه در ایران می‌دانند. بدیهی است تا جایی که نقش دولت در هدایت و برنامه‌ریزی توسعه مد نظر است یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای تبیین توسعه، ارزیابی شاخص‌های مطرح در برنامه‌های توسعه است تا به این طریق موفقیت و یا عدم موفقیت تجربه توسعه را با توجه به اهداف و نظریه‌های، شاخص‌های تصریح شده در برنامه روند یابی کنیم. در این پژوهش دو شاخص توسعه اقتصادی و سیاسی در برنامه‌های شش‌گانه مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفتند. ذکر این نکته لازم است که علاوه بر برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری و عدم تحقق شکل‌گیری دولت‌های توسعه‌گرا در طی اجرای برنامه‌ها

^۱- Government Effectiveness Index

متغیرهای بیرونی مانند تحریم ها ، رکود جهانی ، جنگ ، مهاجرت و .. نیز در روند توسعه کشور قابل تامل است .

جدول ۶- شاخص های تحقق دولت های توسعه گرا و انطباق آن با برنامه های شش گانه توسعه

دوره زمانی	شرایط داخلی و بین المللی	نخبگان اقتصادی و سیاسی	ساختار سیاسی	وضعیت اقتصاد	وضعیت جامعه مدنی	توسعه گرایی دولت	وضعیت شاخص های توسعه اقتصادی و سیاسی
۱۳۶۷-۷۲ ریاست جمهوری آقای هاشمی برنامه اول و دوم توسعه	فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، حمله عراق به کویت ، تورم بالای ۴۰ درصد ، افت قیمت نفت ، بحران ترز پرداخت ها ، شورش های شهری ۱۳۷۱-۱۳۷۲ بازسازی خرابی های ناشی از جنگ	غلبه منطق بازار و سیاست های تعدیل اقتصادی نخبه گرایان تکنوکرات	انسجام و یک پارچگی	تقویت بخش خصوصی برنامه های تعدیل اقتصادی حرکت به سمت بازار جهانی	جامعه مدنی ضعیف و بسته	توسعه گرای کارآمد	پیشبرد توسعه اقتصادی و سیاسی ضعف در توسعه سیاسی
۱۳۷۶-۱۳۸۰ دوره اول و دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی برنامه دوم و سوم توسعه	تصویب پیشنهاد گفتگوی تمدن ها ، برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی ، سیاست تنش زدایی با غرب لغو برخی از تحریم های آمریکا سرمایه گذاری شرکت های خارجی فعالیت گروه های فشار افزایش تنش ها و جنجال های متعدد داخلی حادثه کوی دانشگاه	تداوم جهت گیری برنامه های اقتصادی آقای هاشمی	تقابل نهادهای قدرت	تداوم ساخت اقتصاد دو گانه خصوصی و دولتی	محوریت طبقه متوسط حضور روشنفکران دینی و غیر دینی در تحولات سیاسی و اجتماعی	توسعه گرای کارآمد	تداوم روند پیشین در توسعه اقتصادی شکل گیری رشد سیاسی در جامعه
۱۳۸۰-۱۳۹۲	حمله القاعده به برج های	تعدیل جهت گیری های	افزایش انسجام در	دوگانگی اقتصاد	محوریت طبقه پایین	توسعه گرای ضعیف	کند شدن روند توسعه

دوره اول و دوم آقای احمدی نژاد برنامه چهارم و پنجم توسعه	مرکز تجارت جهانی آمریکا حضور نظامی آمریکا در منطقه حمله و تصرف نظامی عراق و افغانستان توسط آمریکا شروع مناقشات هسته ای ایران ۱۳۸۱ تعلیق غنی سازی بیانیه سعد آباد ۱۳۸۱ توافق بروکسل و پاریس مطرح کردن بحث هولوکاست شروع مذاکرات با محوریت کشورهای آمریکای لاتین	برنامه توسعه ،عدالت اجتماعی، سیاست باز توزیعی منابع	نهادهای سنتی و از بین بردن نهادهای مدرن و شبه مدرن	،ناتوانی در اصلاح نهادها و کاهش شفافیت و رقابت پذیری و افزایش فساد	بی اعتنایی به طبقه متوسط	در هر دو بعد
۱۳۹۴- تا اکنون دولت اول و دوم آقای روحانی برنامه پنجم و ششم توسعه	تداوم بحران اقتصاد جهانی ،تصویب برجام ،آغاز بهار عربی شروع جنگ سوریه بحران انتخابات ۸۸ تحصن احمدی نژاد شکاف سیاسی تحریم ایران رکود تورمی تحریم ۱۸۰ شرکت و شخص ایرانی خروج آمریکا از برجام ۱۳۹۷ حمله مسلحانه داعش به بارلیمان رد صلاحیت های گسترده	غلبه گفتمان امنیت	تلاش برای یک پارچه سازی حاکمیت	تداوم عدم شفافیت در اقتصاد	ایتلاف دولت با طبقات مختلف ،دولت ضعیف فاقد پایگاه اجتماعی ،تقابل دولت قوی و جامعه قوی	توقف جریان نا توسعه گرا

						انتخابات مجلس اعمال تحریم های بی سابقه شکست داعش بالاگرفتن تنش ایران و آمریکا در منطقه ترور شهید حاج قاسم سلیمانی شیوع کرونا	

یافته های این پژوهش نشان داد که دولت ها در ایران در طی چهار دهه اخیر از گفتمان پیشرفت به امنیت رسیده است و همین امر نشان دهنده به تعویق افتادن آرمان های توسعه و تغییر الویت بخشی های جامعه است. همان طور که دلفروز (۱۳۹۷) در پژوهش خود عنوان داشت که تغییر مداوم گفتمان های سیاسی دولت ها یکی از علل نا کارآمدی دولت توسعه گرا در ایران است. هر چند ما شاهد تغییرات زیادی در راستای دست یابی به دولت توسعه گرا هستیم. به عنوان مثال شاهد دگرگونی در طبقات جامعه به ویژه شکل گیری طبقه متوسط شهری، شکل گیری نخبگان سیاسی و بوروکراتیک مستقل از نهاد های سیاسی و اجتماعی و دستاوردهای دولت در بحث امنیت و ثبات داخلی و منطقه ای که تمامی عوامل به عنوان موتور محرکه توسعه می تواند در دست یابی به اهداف توسعه دولت را یاری کند. به نظر می رسد دولت در ایران اهداف توسعه را دارد و میخواهد به یک دولت توسعه گرا تبدیل شود و برنامه هایی برای مدل توسعه ایرانی – اسلامی را نیز طراحی کرده است اما الزامات یک دولت توسعه گرا را رعایت نمیکند. استقرار و موفقیت دولت توسعه گرا در ایران بستگی به شرایطی هم چون شفافیت و رقابتی کردن اقتصاد، حرکت به سوی خصوصی سازی واقعی، نهادینه کردن رقابت سیاسی و اجتناب از سیاست حذف رقیب، به رسمیت شناختن صندوق رای به منزله داور و میانجی رقابت سیاسی کشور، حرکت به سوی عدالت اجتماعی واقعی، اصلاح نظام مالیاتی، تأسیس نهادهای سیاسی و اقتصادی غیر شخصی و قانونی می تواند زمینه ساز شکل گیری دولت توسعه گرا باشد. از دیگر مشکلات دولت در ایران این است که فاقد مدل و راهبرد مشخص برای توسعه می باشد. ساختار اقتصادی دولت در ایران که ترکیبی از دولت رانتیر، اقتصاد پنهان و غیر شفاف، سرمایه داری، بنگاه داری و تصدی گری دولتی، بخش خصوصی ضعیف و شکننده و عدم شفافیت در وجوه مختلف اقتصادی، نداشتن نهادهای نظارتی و مطالبه گر در تحولات اقتصادی و از همه مهمتر مساعد نبودن شرایط منطقه ای و بین المللی موقعیت پیچیده ای برای اقتصاد و جامعه ایران فراهم آورده است. هر چند شاید شاهد تلاش های دولت در بحث توسعه اقتصادی باشیم اما حرکت دولت ها در ایران به سمت اقتدار گرایی شاید راه را برای دست یابی به اهداف توسعه سیاسی سخت کند. تمرکز بیش از حد دولت ها به بحث های توسعه اقتصادی و عدم توجه به بلوغ اجتماعی و سیاسی لایه ها و طبقات مختلف جامعه، وجود شکاف ها و تنازعات مختلف در تمامی سطوح، رشد و گسترش فضای مجازی و انباشت مطالبات و عدم پاسخگویی به آن توسط دولت و.. چندان افق روشنی پیش روی توسعه سیاسی از جانب دولت ها را فراهم نمی آورد.

فهرست منابع

- جهانیان، ناصر (۱۳۸۹) نقش دولت در توسعه از دیدگاه امام خمینی (ره) فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳
جمشیدیه، غلامرضا (۱۳۹۶) روند تاریخی ظهور دولت توسعه گرا در ایران با تاکید بر دوره زمانی
بعد از جنگ تحمیلی، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد
-اونز، پیتر، توسعه یا چپاول، ترجمه عباس زند باف و عباس مخبر، تهران، نشر طرح نو، ۱۳۸۲
-لفت ویچ، آدریان، (۱۳۸۵) دولت‌های توسعه گرا، ترجمه جواد افشار کهن، تهران، نشر مرنديز و نی‌نگار،
-نیل، مسعود و همکاران، (۱۳۸۲) خلاصه مطالعات طرح استراتژی توسعه صنعتی کشور، تهران، موسسه
انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف،
-----و همکاران (۱۳۹۶) ، ج ۱ و ۲ ، اقتصاد ایران چگونگی گذار از ابر چالش ها .موسسه آموزش و
پژوهش مدیریت و برنامه ریزی
۱۳۸۲.
-افشار کهن، جواد (۱۳۸۸)، «دولت و توسعه: نقد و بررسی کتاب "توسعه دولت محور"»، فصلنامه سیاست دوره
۳۹، شماره ۲
ابراهیم بای اسلامی، ۱۳۸۶، مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه شناسان، نامه علوم اجتماعی، شماره
۳۰-
-دل افروز -محمد تقی (۱۳۹۳) دولت توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت های توسعه گرا
انتشارات آگاه
-باز محمدی، حسین و اکبر چشمی (۱۳۸۵). «اندازه دولت در اقتصاد ایران»، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های
اقتصادی بانک مرکزی، گزارش شماره ۲۹
-کميجانی، اکبر و روح‌الله نظری (۱۳۸۸). «تأثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی ایران»، پژوهش‌های -
اقتصادی، سال نهم، شماره ۳
-مالجو، محمد (۱۳۸۴). «کوچک‌سازی دولت در ایران؛ منطق قدرت یا خطابه حقیقت؟»، گفتگو، شماره ۴۵ -
-مقایسه تطبیقی عملکرد اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای حوزه سند چشم‌انداز در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۵ و
الزام‌های بهبود جایگاه آن در سال‌های باقیمانده». امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور، گزارش
شماره ۵۵-۳، اسفندماه ۱۳۹۶.
عباسی، مهدی (۱۳۸۵) دولت توسعه خواه در ایران -الگوی برای مطالعه موانع توسعه در ایران، فصلنامه
فرهنگ اندیشه ش ۱۹
حاجی یوسفی، محمد (۱۳۷۸) دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
تهران
جلایی پور، محمد (۱۳۹۳) جامعه شناسی ایران، تهران، نشر نی
ترابی و روشن (۱۳۸۸) اجماع نخبگان سیاسی و توسعه در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات آگاه
اسلامی و قاسم نژاد (۱۳۸۸) دولت توسعه گرا، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه شریف
عباسی، ابراهیم (۱۳۹۸) جایگاه و نقش دولت در برنامه های سوم توسعه از منظر نهاد گرایی جدید، فصلنامه
رهیافت های سیاسی و بین المللی
ایوانز پیتر، و راج جیمز (زمستان ۱۳۸۵) بوروکراسی و رشد. اثر ساختاری دولت وبری بر رشد اقتصادی
، ترجمه فریبا مومنی -ماهنامه اقتصاد سیاسی. شماره ۱۲
خسرو پناه و دیگران (۱۳۹۶) منظومه فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای. دو جلدی. انتشارات
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
مطالعه شاخص های توسعه با هدف ارزیابی تجربه توسعه بعد از انقلاب اسلامی، مرکز پژوهش های توسعه و
آینده نگری، آریبهشت ۹۹

- پیتکسی، لواس (۱۳۹۶) سرمایه در قرن بیست و یکم، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، نگاه
- سازمان ملل متحد (گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۶) توسعه انسانی برای هر کس. دنیای اقتصاد ۱۳۹۶/۱/۱۷
- مجموعه قوانین برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور. وب سایت بخش اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه کشور
- معاونت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه (۱۳۹۵) ویژگی های برجسته برنامه ششم در مقایسه با برنامه های قبل. تهران سازمان برنامه و بودجه
- معاونت توسعه و مدیریت و سرمایه انسانی (۱۳۸۲) بررسی اندازه دولت در ایران، تهران سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی (۱۳۸۹) مقایسه رشد سالانه تحقق یافته و روند دراز مدت اقتصادی طی دوره ۱۳۵۴-۱۳۸۹ امور برنامه ریزی اقتصاد کلان و ارزیابی سازمان برنامه و بودجه
- ساعی، احمد (۱۳۸۵) مقدمه ای بر نظریه و نقد پسا استعماری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ش ۳۷
- تقی زاده طبری، اباصالح (۱۳۸۸) اصلاحات در مکتب نوسازی، ره آورد سیاسی. ش ۲۴ و ۲۵
- لاهوریان، علی (۱۳۹۵) دولت توسعه گرا و آینده آن در فرآیند جهانی شدن، نشریه سیاست نامه علم و فناوری، سال ششم ش ۴
- عظیمی، حسین (۱۳۹۱)، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم
- ابراهیم بای سلامی، غلام حیدر (۱۳۸۸)، بررسی الگوی سیاست ها و برنامه های توسعه در ایران در آستانه تدوین برنامه پنجم توسعه، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۶۲۲
- رنانی، محسن (۱۳۸۵)، مجموعه مقالات همایش پنجاه ساله برنامه ریزی توسعه در ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران
- شیخ زاده، حسین (۱۳۸۵)، نخبگان و توسعه ایران، تهران، انتشارات باز
- شیخ زاده، حسین (۱۳۹۱)، نفت ایران عامل یا مانع توسعه، شرکت سهامی انتشار تهران
- طاهری، غزاله و علی اصغر پور عزت (۱۳۸۵)، مبانی استقرار و توسعه دولت هوشمند، فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۴، ش ۳، تابستان
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۶)، دولت توسعه خواه و زمینه های توسعه در ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان، دوره ۴۰، ش ۴
- کاتوزیان، محمدعلی و محمدرضا نفیسی (۱۳۸۴)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، تهران، نشر مرکز، چاپ ۱۱
- فوران، جان (۱۳۸۶): ترجمه احمد تدین، مقاومت شکننده، انتشارات رسا، تهران، چاپ ۵
- جمشیدی ها، غلامرضا و سید رحیم تیموری (۱۳۹۶)، روند تاریخی ظهور دولت های توسعه گرا در ایران با تاکید بر دوره زمانی بعد از جنگ تحمیلی، مجله علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه مشهد، سال چهاردهم، ش ۱، بهار و تابستان

اشرف، احمد و علی بنو عزیزی(۱۳۸۸)طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران،ترجمه: سهیلا فارسانی، انتشارات نیلوفر، تهران

سیف، احمد(۱۳۸۹)پژوهش و توسعه در بنگاه های فراملی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی،ش ۲۷۲

حبیبی، مسعود(۱۳۸۹)، جامعه شناسی دولت نهادی و توسعه صنعتی در ایران، نشریه توسعه تکنولوژی صنعتی،ش ۱۶، زمستان

منبع انگلیسی

- Rotuley ,L.(212),Developmental state:A Review of the literature.working paper.retrieved from <https://ssrn.com/abstract=2141837>